

پیشنهادی برای جایگاه بندر پارتی امانا بر اساس بررسیها و کاوشهای انجام گرفته در سواحل شمالی و جنوبی تنگه هرمز

دکتر حکمت اله ملاصالحی^۱

دکتر علیرضا خسروزاده^۲

دکتر محمد اسماعیل اسمعیلی جلودار^۳

چکیده

امپراطوری پارتیان یاد شده، مشخص شود. روش‌شناسی پژوهش پیش‌رو، هم‌متکی بر منابع نوشتاری است و هم مبتنی بر پژوهش‌های میدانی و یافته‌های باستان‌شناختی که باستان‌شناسان خارجی در مناطق سواحل جنوبی خلیج فارس و باستان‌شناسان ایرانی در کرانه‌های شمالی انجام داده‌اند. شایان ذکر است که در میان سه تن از نگارندگان نوشتار حاضر، دو تن (خسروزاده و اسمعیلی جلودار) خود کاوشگران این محوطه‌ها در سواحل شمالی خلیج فارس در مناطق مشرف به تنگه هرمز بوده‌اند.

کلیدواژگان

امانا؛ پارتی؛ خلیج فارس؛ بندر؛ تنگه هرمز

مقدمه

بر صحنه آمدن و از صحنه بدرشدن قدرتها و نظامهای سیاسی و فراز و فرود دولتها و قدرتهای جهانی بر قبض و بسط و درجه و دامنه اهمیت راهبردی جغرافیای طبیعی اعم از بری و بحری و نیز بر تقدیر تاریخی مردمان بطور مقدر و اجتناب‌ناپذیر همواره تأثیر داشته است و آبراهه خلیج فارس از این قاعده مستثنی نیست. هم مستندات تاریخی و منابع مکتوب و هم مدارک و شواهد باستان‌شناختی و کاوشها و مطالعات میدانی باستان‌شناسان موید قبض و بسطهای گسترده‌ی است که آبراهه خلیج فارس و کرانه‌های آن در هزاره‌های اخیر از سرگذرانده است. دو هزار کیلومتر طول

در عصر امپراطوری پارتیان، کرانه‌های خلیج فارس میان چند ایالت یا استان ایرانی تقسیم‌بندی شده بود. کرانه‌های جنوبی آن بخشی از شبه جزیره عربستان را شامل میشد. کرانه‌های غربی در ایالت یا استان مسن یا میسان قرار گرفته بود. کرانه‌های شمالی خلیج فارس نیز به سه ایالت یا استان کارمانیا (کرمان)، پارس (فارس) و خوزستان تعلق داشت. در این کرانه‌ها یا مناطق ساحلی خلیج فارس بنادر در خور توجه و مهمی نیز در این دوره وجود داشت. از جمله مهمترینشان بنادر پارتی که پُلینی و پریپلوس به آن اشاره کرده‌اند؛ اماناست که به احتمال در کرانه‌های تنگه هرمز قرار داشته است. در بررسیهای انجام شده در کرانه‌های شمالی و جنوبی تنگه هرمز شماری محوطه باستانی که مرتبط با بنادر تجاری و متعلق به عصر پارتیان نیز شناسایی و ثبت و گزارش شده که بندر باستانی امانا میتواسته از جمله آنها بوده باشد. نام این محوطه‌ها چنینند: کهور لنگر چینی (نخل ابراهیمی) در سواحل میناب، اددور در سواحل شارجه امارات و سوهار در سواحل کشور عمان. در نوشتار حاضر سعی شده با استناد به منابع نوشتاری کلاسیک و نیز شواهد باستان‌شناختی، جای نام بندر باستانی امانا که در منابع مکتوب و مستندات تاریخی از آن بعنوان یکی از بنادر اصلی و شاخص خلیج فارس در عصر

۱. دانشیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران؛

hekmat_mollasalehi@yahoo.com

۲. استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه شهرکرد

۳. استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران؛ jelodar@ut.ac.ir

ناشناس نوشته شده است. در این کتاب به بنادر و راههای تجاری دریایی بین اسکندریه در مصر تا بنادر جنوبی و غربی هند اشاره شده است. از مهمترین بنادر و شهرهایی که در پریپلوس به آنها اشاره شده است میتوان به بندر موسچا^۲، امانا^۳ و آپولوگوس اشاره کرد (Potts, 2009: 41).

در کتاب پریپلوس در ارتباط با بنادر امانا و آپولوگوس آمده است:

آنسوی این تنگه دریای خیلی بزرگ و پهن خلیج فارس قرار گرفته است. در انتهای این خلیج، شهر بندری بنام آپولوگوس واقع شده که در نزدیکی خاراکس اسپاسینو و رودخانه فرات قرار گرفته است. با کشتیرانی از دهانه خلیج فارس، پس از شش روز، شهر تجاری دیگر پارسی به نام امانا قرار دارد. از باریاگازا^۴ به هرودی این شهرهای بندری کشتیهای بزرگی بطور مرتب فرستاده میشود، که با مس و چوب صندل و الوار ساج و کندههای درخت ساج و آبوس پر شده‌اند. کندر نیز از کانا به امانا فرستاده میشود. از امانا تا عربستان قایقهای کوچکی ساخته میشود که بنام مدارات^۵ معروف هستند. از هرودی این بنادر به باریاگازا و عربستان شمار زیادی مروارید، نمونه‌های نامرغوب کالاهای هندی؛ مثل لفل، لباس، شراب، مقدار فراوانی خرما، طلا و برده صادر میشود (Casson, 1989: 73, 180).

پلینی نیز اطلاعات دقیق و فراوانی از مردم، قبایل و مکانهای جنوب شرق عربستان ارائه داده است. چند جزیره و شهر مهمی که پلینی به آنها اشاره کرده است، عبارتند از: جزیره آسکیلیاو رینیا، بندر کوبوییا اورسائ و بنادر امانا و باتراساواو^۶ (Pliny, NH 6. 32. 149-152).

سواحل جنوبی خلیج فارس

در بررسیهایی که طی سالهای اخیر در سواحل جنوبی

جغرافیای ساحلی شمالی خلیج فارس که دامن جغرافیای ایران زمین را بسوی دریاهای آزاد می‌گشاید، اهمیت راهبردی آن را برای کشور صد چندان کرده است؛ آبراهه و خلیجی که هم منابع و مستندات تاریخی و هم شواهد و مدارک باستان‌شناختی برنام ایرانی آن هم حضور تاریخی ایرانیان بر جغرافیا و مناطق ساحلی آن در طول تاریخ مهر تأیید و انگشت تأکید مینهند. نوشتار حاضر انگشت اشارت و تأکیدش بر همین حضور تاریخی ایرانیان نشانه رفته است؛ البته با اتکاء به منابع و مستندات تاریخی و ابتناء به مدارک و شواهد باستان‌شناختی.

از منابع مکتوب و مستندات تاریخی و شواهد باستان‌شناختی چنین استنباط میشود که بنادر مهم و شاخص عصر پارتی خلیج فارس هم در مقیاس داد و ستد و تجارت منطقه‌یی و هم در مقیاس فرامنطقه‌یی فعالیت میکرده‌اند. این بنادر در کرانه‌های جنوبی خلیج فارس بنیاد پذیرفته بودند. از جمله مهمترینشان که در منابع نوشتاری کلاسیک به آن اشاره شده، بندر امانا بوده است. در رابطه با مکان فعلی یا موقعیت مکانی در میان پژوهشگران این بنادر اتفاق نظر وجود ندارد و اختلاف آراء همچنان به قوت خود باقی است. آنچه از نوشته‌ها و روایات بجای مانده از پریپلوس و پلینی استنباط میشود این است که بطور کلی میتوان نظرات ارائه شده درباره این بنادر (امانا) را به چهار گروه تقسیم‌بندی کرد: نظر گروهی بر این است که امانا در کرانه‌های ایران قرار داشته است؛ در مکران، در گدروزیای باستان، در سواحل کرمان یا کارمانیای باستان به زبان هلنی. نظر دیگر این است که در سواحل بتینه در شبه جزیره عمان قرار داشته است. نظر دیگر بر کرانه‌های جنوبی خلیج فارس بین رأس مسندم و شبه جزیره قطر انگشت تأکید مینهد.

امانا در نوشته‌های پریپلوس و پلینی

یکی از مهمترین منابع کلاسیک که به امانا بعنوان یک بندرگاه پارتی اشاره کرده، کتاب پریپلوس^۱ است. این کتاب احتمالاً بین سالهای ۴۰ تا ۷۰ میلادی توسط مورخی

2. Moscha

3. Omana

4. Baryagaza (بندری باستانی همزمان با دوره پارت در سواحل غربی هند)

5. Madarat

6. Orsa

7. Batrasavave

1. The Periplus of the Erythraean Sea

پاکستان و ایران، بویژه محوطه‌های واقع در میناب و جیرفت، تپه یحیی، دهانه غلامان و قلعه نو وجود داشته است. هامفریز با توجه به مواد فرهنگی بدست آمده از این تپه اشاره کرده که احتمالاً این تپه همان بندر امانای باستان است که در منابع کلاسیک به آن اشاره شده است (Ibid: 53-54).

تپه «SH 11» در اواخر دوره آهن ایجاد شد و در قرن سوم میلادی با تغییرات سیاسی و اقتصادی درخور توجهی که بوجود آمد، متروک شد. در واقع تمامی سفالها و اشیای سنگی بدست آمده از سطح محوطه مربوط به عصر آهن میباشد. هیچ قطعه سفال و دیگر مواد فرهنگی که مرتبط و منتسب و متعلق به قرن دوم و نیمه قرن اول پیش از میلاد باشد از این محوطه بدست نیامد (Kervran, 2004: 292).

بنابراین، براساس متون کلاسیک رومی و یونانی (پریپلوس و پلینی) که مربوط به قرن اول میلادی هستند هامفریز براین باور است که این محوطه احتمالاً امانای باستان است. هر چند در متون کلاسیک اشاره‌ی به جای دقیق این بندر نشده است.

همانطور که میدانیم از مزون^۱ بعنوان بیست و هفتمین استان امپراطوری ساسانی در کتیبه نقش رستم، نامبرده شده است. منابع سریانی اشاره کرده‌اند که مزون یک مکان اسقف‌نشین در قرون پنجم تا هفتم میلادی بوده است. در حدود سال ۲۲۵ م یک مکان اسقف‌نشین در قَطر^۲ وجود داشته است. هیئتهای نسطوری احتمالاً هم از طریق زمینی و هم از طریق دریا بین شمال (مسن و نواحی شمال خلیج فارس) تا جنوب (جنوب و جنوب شرق عربستان) تا امانا تجارت میکردند. در سال ۶۷۶ م جرج اول کاتولیک، یک شورای مسیح در دارین در جزیره تاروت تشکیل داد. این شورا از اسقفهای دارین، مزون، حجر و حتا تشکیل شده بود. نویسندگان مسلمان نیز از سوهار با نام مزون یاد کرده‌اند.^۳ سوهار بندری مشهور و بزرگ، مربوط به دوره ساسانی و اسلامی در دویست کیلومتری شمال مسقط و دویست

خلیج فارس انجام شده، شمار زیادی محوطه مربوط به عصر امپراطوری پارتیان شناسایی و ثبت شده است. در میان محوطه‌های شناسایی شده در کشورهای عمان و امارات، سه محوطه حائز اهمیت بسیار بوده و از شواهد مکشوف و مطالعات انجام شده چنین استنباط میشود که هر کدام بنادر تجاری بزرگ در زمان خود بوده‌اند.

یکی از این سه محوطه در چهار کیلومتری جنوب سوهار در منطقه‌ی بین قیل شیبول و سویره در کشور عمان قرار گرفته که بنام تپه «SH 11» معروف است. این تپه به قطر ۱۶۰ متر و ارتفاع ۳/۵ متر مربوط به دوره پارت و ساسانی است. این تپه طی بررسیهای دانشگاه هاروارد در سال ۱۹۷۳ م شناسایی و ثبت شد. هیئت فرانسوی نیز در سال ۱۹۸۰ م این محوطه را بررسی و سفال و مواد فرهنگی بیشتری از سطح محوطه جمع‌آوری کرد. این هیئت مطالعه سفالهای مکشوف را در برنامه کاری خود داشت، اما دلیل نداشتن تخصص کافی در این زمینه از مطالعه آنها منصرف شد. مطالعه هامفریز اشاره کرده که سفالهای این محوطه مشابه به سفالهای محوطه دیگری در وادی بهلا هستند (Humpheries, 1974: 49-51).

او همچنین براساس مطالعه سفالهای بدست آمده از این محوطه، یادآور میشود که ارتباطات و مناسبات مهم و جدی میان ساکنان و مردمان این محوطه و محوطه‌های واقع در



شکل ۱: موقعیت محوطه‌های مهم پارتی در تنگه هرمز

1. Masun

2. Qatraye (نام سریانی منطقه شمال شرق عربستان)

۳. برای آگاهی بیشتر ر.ک: (بلاذری، ۱۳۶۷: ۱۲۸)

عربی جنوب خلیج فارس را نیز در بر می‌گرفته است. حتی اگر این نظریه را نیز بپذیریم، هنوز سؤالات دیگری وجود دارد که آیا پارسیها واقعاً سواحل عربی خلیج فارس را بخاطر مسائل سیاسی در طول قرن اول میلادی کنترل میکرده‌اند یا اینکه این کنترل بخاطر مسائل تجاری و بازرگانی بوده است؟ بعبارت دیگر، نباید فراموش کنیم که خاراسنیها علاقه زیادی به این منطقه داشته‌اند. وجود سکه‌های محلی ضرب شده در جنوب شرق عربستان (اددور و ملیحا) نشان می‌دهد که این محوطه‌ها یک پادشاهی محلی با موجودیت سیاسی مستقل داشته‌اند (Haerinc, 1998b: 278). بر اساس چندین فصل کاوش که در ادودر انجام شده و مواد فرهنگی فراوانی که از این محوطه بدست آمده، میتوان نتیجه گرفت که تجارت گسترده‌یی میان این محوطه و دیگر نقاط وجود داشته است. هرینک امانای باستان را ادودر میدانند (Ibid).

ادودر (امارت ام‌القوین، امارت متحده عربی) یکی از بزرگترین و به احتمال زیاد تنها محوطه ساحلی بین قطر و تنگه هرمز در اواخر دهه‌های قرن اول پیش از میلاد و قرن اول میلادی بوده است (Stevens & Haerinc, 1996: 72-74). این محوطه در جنوب شرق سواحل عربی خلیج فارس و تقریباً ۱۲۰ کیلومتری تنگه هرمز واقع شده است (شکل ۱). اگرچه دوره‌های استقرار مختلفی در این محوطه وجود دارد، اما دوره استقرار اصلی در این محوطه مربوط به آغاز میلادی است. در این دوره محدوده استقرار تقریباً ۳×۲ کیلومتر است (Haerinc, 1998b: 274).

کاوشهای باستان‌شناسی در ادودر در امارت ام‌القوین توسط گروههای بلژیکی، انگلیسی، فرانسوی و دانمارکی بین سالهای ۱۹۸۶ م و ۱۹۹۵ م انجام شد.^۲ که طی این کاوشها، غیر از تولیدات و مواد محلی، شمار فراوانی مواد فرهنگی با منشأ خارجی نیز یافت شد، مانند: شیشه‌های رومی / مدیترانه‌یی، برنزا و ظروف فلزی حکاکی شده، سفالهای

کیلومتری جنوب دبی قرار گرفته است (شکل ۱). حداقل سه پروژه کاوش و دو فصل بررسی در سوهار انجام شده است (Costa & Wilkinson, 1987: 9; Kervran, 2004: 266-270). کروان بر اساس کاوشهایی که بین سالهای ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۶ م در این محوطه انجام داد و مواد فرهنگی که از این محوطه به دست آورد معتقد است که سوهار باید همان بندر امانای باستان یا بندر پارسی پریپلوس باشد نه تپه «SH 11» (Kervran, 2004: 293, 341).

بیشتر پژوهشگرانی که معتقدند امانا در سواحل بتینه قرار داشته است، آنها کروان و سوهار را شبیه‌ترین محوطه به امانا دانسته‌اند. از جمله این پژوهشگران میتوان به اسپرینگر، مایلز، توماچک، ولرز، مارکوارت و ماریک اشاره کرد.^۱ با اینهمه اگر بخواهیم به نوشته‌های پریپلوس استناد کنیم که روایت میکند پس از شش روز کشتیرانی از دهانه خلیج فارس به بندر امانا میرسیم ویلکینسون بر این نظر است که در شماری از منابع جغرافیایی کلاسیک عربی خلیج فارس را از دهانه دریای عمان بحساب آورده‌اند نه تنگه هرمز (Wilkinson, 1964: 348).

هرینک معتقد است آنگونه که پلینی بیان کرده، امانا شهری است در کارمانیا که میتواند موقعیت این بندر را در سواحل ایرانی خلیج فارس قوت بخشد (Haerinc, 1998b: 277). همچنین پریپلوس باز اشاره کرده است که امانا یکی از بنادر تجاری پارس است «بعد از کشوری که امانا متعلق به آن است کشوری دیگر به نام پارسیدای وجود دارد که بخشی از پادشاهی دیگر است» (Salles, 1995: 130-132). در نتیجه طوماری هم از اظهارنظرها و هم از تفسیرهای متفاوت بر روی ما گشوده میشود. البته پریپلوس نمیگوید که این محوطه در پارس قرار گرفته اما اشاره کرده که این محوطه تحت کنترل و متعلق به پارس بوده و تقریباً تمامی کشور عمان تحت کنترل و متعلق به پارس بوده است (همانگونه که پیش از این در دوره هخامنشی متعلق به پارس بوده است) (Potts, 2005: 9). تفسیر دیگری نیز میتوان در ارتباط با متن پلینی داشت و آن اینکه کارمانیا تنها محدود به منطقه جنوب شرق ایران نمیشده است، سواحل

۲. برای آگاهی بیشتر ر.ک:

(Haerinc, 1991: 31-60), (Boucharlat, 1988: 1-26),

(Haerinc, 1992: 190-208), (Haerinc, 1993: 210-225),

(Haerinc, 1994: 184-197), (Haerinc, 1996: 69-74)

۱. برای آگاهی بیشتر ر.ک: (Potts, 1990: 308)

همانگونه که یادآور شدیم با استناد به روایت پلینی (قرن اول میلادی) امانا در ساحل خلیج فارس پس از تنگه هرمز قرار داشته است. اما نویسنده کتاب *The periplus of the Erythraean sea* مکان این شهر (که او آن را مرکز تجاری پارس مینامد) را در کنار سواحل ایرانی خلیج فارس میداند. تنها بطلمیوس، در قرن دوم میلادی، مکان این بندر را در سواحل عربستان شرقی دور از تنگه هرمز ذکر کرده است. با استناد به روایت پلینی و دیگر نویسندگان دوران باستان که امانا را در سواحل خلیج فارس پس از تنگه هرمز ذکر کرده‌اند، پاتس نیز همانند هرینک بر این نظر است که امانا با اددور که مهمترین محوطه استقرار در سواحل عربی خلیج فارس و نزدیک تنگه هرمز است، مطابقت دارد (Potts, 1988: 155).

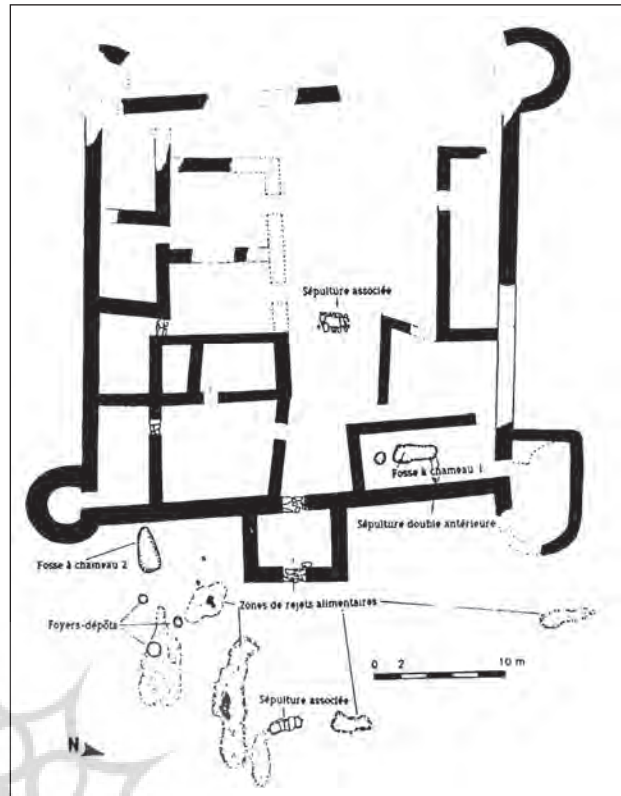


شکل ۳: نمونه سکه پارتی بدست آمده از اددور (برگرفته از: Haerincq, 1998b: 288)

سواحل شمالی خلیج فارس

بر اساس گفته‌های پلینی و پریپلوس احتمال دارد مکان فعلی امانا در سواحل شمالی خلیج فارس باشد. امانا میتواند در سواحل میناب، بندرعباس، بندر لنگه و یا جزیره قشم ایجاد شده باشد. در سواحل میناب و بلیامسون ده محوطه مربوط به دوره ساسانی براساس یافته‌های سطحی، شناسایی و ثبت کرد (Pricket, 1968: 1270 - 1272). علاوه بر آن، سفالهای سطحی مربوط به دوره ساسانی از چند محوطه کوچکتر ساحلی در جاسک و غرب بوشهر شناسایی شده‌اند (Kennet, 2002: 160, Priestman & Kennet, 2002: 260).

طی این بررسی هیچ محوطه ساحلی پارت که بتوان آن را با امانا یکی دانست شناسایی نشد.



شکل ۲: قلعه کاوش شده مربوط به دوره پارتی در اددور

پارتی مربوط به جنوب بین‌النهرین، ظروف منقوش جنوب شرق ایران، سفال هندی و پاکستانی، یونانی و رومی و ظروف سنگی جنوب شبه جزیره عربستان^۱ و سکه‌های فراوان از دوره پارت (شکل ۳) و ساسانی و دیگر نقاط^۲.

از مهمترین بناهای کاوش شده در این محوطه میتوان به قلعه واقع در ناحیه C که اطلاعات مربوط به آن اندک است (Potts, 1990: 275 - 276) و قلعه ناحیه F (ecomte, 1993: 195-217) اشاره کرد (شکل ۲). موتون قلعه واقع در ناحیه C را به قرن دوم یا اوایل قرن سوم میلادی تاریخگذاری کرده است، هرچند کنت این قلعه را مربوط به دوره متأخرتر میداند (Kennet, 2005: 113). قلعه واقع در ناحیه F نیز به قرن سوم و چهارم میلادی تاریخگذاری شده است (Lecomte, 1993: 195 - 217).

۱. برای آگاهی بیشتر ر.ک:

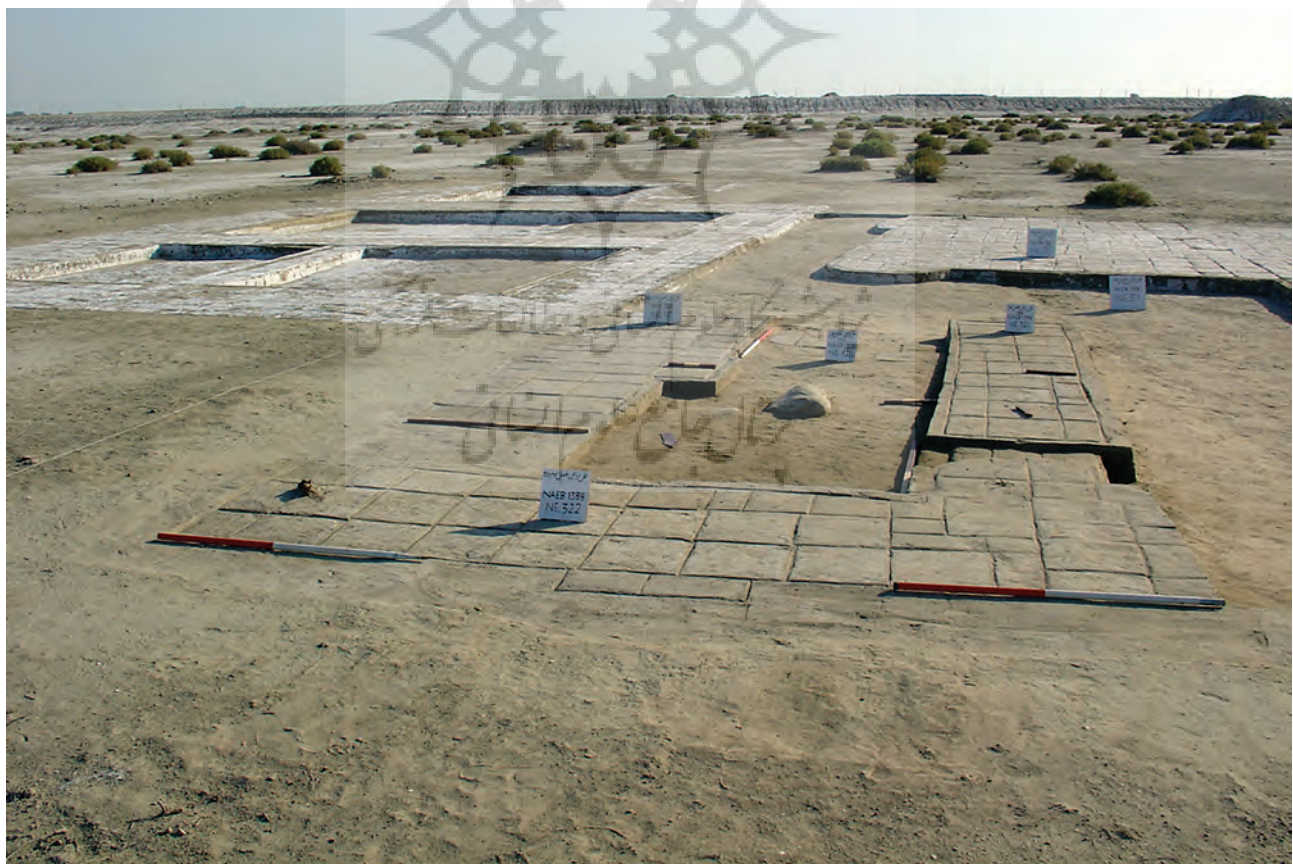
(Whitehouse, 1998, 2000: 87 - 128), (Papadopoulos, 1994: 267 - 279)

۲. برای آگاهی بیشتر ر.ک:

(Haerincq, 1998c: 278 - 301), (Potts, 1991: 14), (potts & Gribb, 1995: 123 - 137)

هموار و همسطح زمینهای پیرامون است. در قسمتهایی از آن، پشته‌های کم ارتفاع ماسه‌یی نیز مشاهده میشود (همان: ۵۶). از سال ۱۳۸۶ تا ۱۳۸۹ این محوطه را سیامک سرلک طی سه فصل کاوش و جراحی کرد. کاوشهای این محوطه در دو محدوده گورستانی و دژ متمرکز شد. مهمترین بخشهای کاوش شده در این محوطه، دژی خشتی در بخش غربی محوطه (شکل ۴) و گورستان بخش شرقی محوطه بود. براساس کاوشهای انجام شده، دژ نخل ابراهیمی پلانی چهارگوش به ابعاد ۱۶۰ متر (در راستای شرق به غرب) و ۱۴۰ متر (در راستای شمال به جنوب) داشته است. بخشهایی از این بنا در سالهای اخیر بر اثر خاکبرداری توسط بیل مکانیکی تخریب شده ولی بیشتر قسمتهای آن سالم باقی مانده است. پهنای حصار دژ بین ۱۷۰ تا ۲۲۰ سانتیمتر و پهنای دیوار ساخت و سازهای درون دژ بین ۱۴۰ تا ۱۷۰ سانتیمتر است. نکته عجیب در ساخت حصار و دیوارهای بخش داخلی دژ، استفاده از خشتها در ابعاد و اندازه‌های گوناگون است. این خشتها در هیچ کدام از دیوارها

طی بررسیهایی که در فصل زمستان ۱۳۸۴ در شهرستان میناب انجام شد، شماری محوطه پارت و ساسانی شناسایی شد. یکی از مهمترین محوطه‌های شناسایی شده در این بررسی مربوط به دوره پارتی، کهور لنگرچینی است. این محوطه به نامهای نخل ابراهیمی و مُغ بریمی نیز معروف است. این محوطه بزرگترین محوطه پارتی است که تاکنون در کرانه‌های شمالی خلیج فارس شناسایی شده است (خسروزاده و دیگران، ۱۳۸۵: ۵۵-۷۰). محوطه کهور لنگرچینی، به ابعاد تقریبی ۸۰۰×۶۰۰ متر، در فاصله دو کیلومتری جنوب غرب روستای نخل ابراهیمی واقع شده است. مشخصه اصلی سطحی این محوطه، پراکندگی چشمگیر انواع صدفها و گوش ماهیهای دریایی است. همچنین فراوانی تکه سفال و سرباره‌های حاصل از ذوب کانسنگ مس و سرب بر سطح محوطه کاملاً قابل توجه است. این محوطه در بخشی از دشت میناب قرار گرفته که بیشتر بشکل ماسه‌زار است و برای کشاورزی مناسب نیست و امروزه هیچ زمین کشاورزی تا فاصله دست کم دو کیلومتری آن دیده نمیشود. محوطه تقریباً



شکل ۴: قلعه کاوش شده مربوط به دوره پارتی در کهور لنگرچینی (برگرفته از سرلک، ۱۳۹۲)

از دیگر مناطقی که براساس گفته‌های پلینی و پریپلوس، بندر پارسی آمانا میتواند قرار داشته باشد، جزیره قشم است. طی دو فصل بررسی که در جزیره قشم انجام شد، هرچند محوطه‌های زیادی مربوط به دوره‌های مختلف شناسایی شد ولی بندر پارتی که بتوان آن را با آمانا مطابقت داد، شناسایی نشد. بزرگترین محوطه شناسایی شده مربوط به دوره پارت در این جزیره بنام دُفاری، نه در کنار ساحل بلکه در حدود پنج کیلومتری از ساحل قرار گرفته که از سطح این محوطه نیز مواد فرهنگی که نشان‌دهنده ارتباط تجاری این محوطه با دیگر نقاط بشکل فرامنطقه‌یی باشد بدست نیامد.

در بررسی سواحل بندرعباس و بندر لنگه نیز محوطه بزرگ بندرگاهی مربوط به دوره پارت گزارش نشده است (آبیان، ۱۳۸۵، ۲ جلد و توفیقیان، ۱۳۸۴: فصل اول).

نتیجه‌گیری

بر اساس مدارک ارائه شده توسط پریپلوس و پلینی، دو تفسیر را میتوان برای موقعیت جغرافیایی آمانا ارائه داد: آمانا در سواحل جنوبی خلیج فارس قرار داشته، اما تحت کنترل ایران بوده، یا آمانا اصلاً در سواحل ایرانی خلیج فارس قرار داشته است.

با توجه به موقعیت ساحلی و مواد فرهنگی به دست آمده از محوطه‌های ساحلی و پس‌کرانه‌یی مطالعه شده در این پژوهش میتوان آنها را در دو گروه تقسیمبندی کرد: گروه نخست محوطه‌های بزرگ ساحلی با مواد فرهنگی خارجی غنی که احتمالاً درگیر بازرگانی مستقیم بوده و با دیگر بنادر ساحلی خلیج فارس و اقیانوس هند در ارتباط بوده‌اند و اساساً به منظورهای تجاری و بازرگانی بوجود آمده‌اند؛ از جمله این محوطه‌ها میتوان به سوهار، اددور در سواحل جنوبی خلیج فارس اشاره کرد. گروه دوم، شماری از محوطه‌های ساحلی خلیج فارس را شامل میشوند که اساساً برای اهداف تجاری ایجاد نشده بودند بلکه برای پاسخگویی به نیازهای دیگر مانند صیادی و صنعتی تاسیس شده و بنیاد پذیرفته بودند. این بنادر اساساً دارای روابط تجاری منطقه‌یی فقط با بنادر ساحلی خلیج فارس بودند که در میان آنها میتوان به کهور لنگرچینی در سواحل میناب اشاره کرد.

یک اندازه نیست (سرلک، ۱۳۹۲: ۳۳). شمار زیادی گورخمره نیز کاوش شد که مواد فرهنگی فراوانی از جمله شمار زیادی سفال از این گورخمره‌ها بدست آمد (همانجا).

مهمترین مواد فرهنگی بدست آمده از سطح محوطه کهور لنگرچینی تکه‌های سفال است. بغیر از سفال، همانطور که گفته شد، شمار فراوانی سرباره فلز، تکه‌های کانسنگ مس و فلزی دیگر (احتمالاً سرب) و تکه‌هایی از فلز مس نیز بر سطح محوطه دیده میشود. سفالهای گردآوری شده از سطح محوطه از نظر ساخت و ویژگیهای فنی به گونه‌های ساده، با پوشش قهوه‌یی و قرمز، لعاب‌دار، آشپزخانه‌یی، خاکستری ظریف و خشن و منقوش تقسیمبندی میشوند. با توجه به تنوع گونه‌های سفالی این محوطه، بنظر میرسد که مناسبات و پیوندهایی میان این منطقه و سایر مناطق همجوار برقرار بوده است؛ برای مثال، سفال گونه لعاب‌دار قطعاً از خوزستان یا جنوب بین‌النهرین وارد میشده و گونه منقوش نیز شباهتهای بسیار زیادی با گونه منقوش یک و دورنگ جنوب شرق ایران (کرمان) دارد. شباهتهایی نیز بین سفالهای بدست آمده از این محوطه با محوطه‌های دوره سلوکی و پارت حوزه جنوبی دریای عمان و خلیج فارس دیده میشود و بنظر میرسد پیوندهایی بین کهور لنگرچینی و محوطه‌هایی همچون اددور و ملیحا در امارات، قلات در بحرین، سوهار در عمان، تاج در عربستان و فیلکه در کویت وجود داشته که نشان‌دهنده ارتباطات تجاری و اقتصادی بین این مناطق است.

هرچند کهور لنگرچینی بزرگترین محوطه عصر پارتی است که تاکنون در سواحل شمالی خلیج فارس شناسایی شده با اینهمه این محوطه نمیتواند آمانای اشاره شده در منابع کلاسیک باشد. طی بررسیها و چند فصل کاوشی که در این محوطه انجام شد؛ مواد فرهنگی غنی با منشاء برون منطقه‌یی از جمله سکه، سفال، ظروف فلزی، شیشه، مهره، مهر و... که نشان‌دهنده ارتباط تجاری این محوطه با بنادر جنوب، شرق و جنوب‌شرق آسیا، شرق آفریقا و سواحل مدیترانه بشکل فرامنطقه‌یی، باشد بدست نیامده است. در حالی که در منابع کلاسیک بصراحت ذکر شده که آمانا درگیر تجارت منطقه‌یی و فرامنطقه‌یی در خلیج فارس بوده است.

پاتس بر این باور است در حالی که رفت و آمد در جنوب دریای سرخ و اقیانوس هند برای دستیابی به کالاهای هندی و شرق دور توسط رومیها انجام میشد، کاروانهای تجاری از طریق زمین، کالاها را از پالمیر در سوریه به شهرهای بلاشگرد، سلوکیه و اسپاسینوس خاراکس در عراق، منتقل و از طریق خاراسن و از راه دریا آنها را به امانا و هند میرساندند (potts, 2001: 55).

شواهد زیادی مبنی بر ارتباطات تجاری میان شرق آفریقا و سواحل خلیج فارس در دوره‌های پارت و ساسانی وجود داشته است (خسروزاده، ۱۳۹۲: ۷۱-۹۵). از جمله اقلام صادراتی به دو بندر مهم دوره پارت، امانا و آپولوگوس که پریپلوس به آن اشاره کرده، برده است. تاجران رومی برده‌ها را از سواحل سومالی و بندرت از مالائو (بربرا) و به تعداد فراوان و کیفیت بهتر از اوپونی^۲ (هافون، جنوب گاردافو)^۳ به دیگر نقاط میفرستادند. اما بیشتر این برده‌ها به مصر فرستاده میشدند. برده‌های صادر شده به هند و عربستان از طریق امانا و آپولوگوس، نمیتوانست توسط تاجران رومی صورت گرفته باشد، بلکه به احتمال زیاد از طریق و بوساطت تاجران این دو بندر از آفریقا وارد میشده‌اند. بنابراین، بنظر میرسد در زمان پریپلوس ملوانان امانی از بادهای موسمی شمال شرق برای عبور از دریای عمان و رسیدن به سواحل شرقی آفریقا برای بدست آوردن برده از اوپونی یا بازارهای جنوبیتر، استفاده میکردند. علاوه بر برده، کالاهای دیگری مثل عاج فیل و شاخ کرگدن نیز از این منطقه به امانا و دیگر بنادر خلیج فارس صادر میشد (Groom, 1995: 189).

کازون، امانا و آپولوگوس را بعنوان بنداری تجاری که تجارت محدود داشتند و تجارت در آنها توسط یک حاکم قانونی کنترل میشده تفسیر کرده است (Cason, 1989: 276). پادشاهی که در زمان پریپلوس در خاراسن حکومت میکرد، احتمالاً آتامبلوس سوم بوده است. اگرچه سالی که او فوت کرده نامشخص است، اما سکه‌هایش زمان سلطنت او را بین ۳۸-۳۹ تا ۴۴-۴۵ میلادی نشان میدهند (Groom, 1995: 187).

از روایات پریپلوس و پلینی چنین استنباط میشود که امانا درگیر فعالیتهای بازرگانی و دادوستدهای فرامنطقه‌یی بوده که با اقیانوس هند، روم و دیگر بنادر خلیج فارس از جمله آپولوگوس در ارتباط بوده است. از میان محوطه‌های یاد شده در بالا، اددور بندرگاهی بسیار بزرگ بوده و میتوانسته امانای باستان باشد. وجود شمار فراوانی مواد فرهنگی برون منطقه‌یی مکشوف در اددور بروشنی نشان میدهد که این محوطه درگیر یک تجارت بین‌المللی بوده که کالاها از مناطق و بنادر مختلف و از راهها با وسایل متفاوت به این بندر میرسیده است.

سالز بر این نظر است که در دوره پریپلوس کالاهای رومی در خلیج فارس، در محوطه‌هایی مثل ملیحا و اددور (امانای باستان)، مستقیماً از دنیای رومی به این مناطق نمیرسیده بلکه بجای آن از طریق خلیج فارس و بندر باروچ^۱ (براج یا باریگازای باستان) در هند به خلیج فارس صادر میشده است (Salles, 1993: 514 - 518).

اما مسئله‌یی که قویاً این نظر را رد میکند این است که پریپلوس هیچگاه اشاره‌یی به خلیج فارس نکرده است. به همین دلیل، سالز بر این باور است که شیشه‌های رومی از طریق هند به خلیج فارس صادر میشده است (Salles, 1995: 140). سالز چنین استدلال میکند که پریپلوس اشاره‌یی به خلیج فارس نکرده، به این دلیل که رومیها هیچگاه وارد خلیج فارس نشده‌اند. در واقع پریپلوس اشاره کرده که کشتیها از باریگازا (در خلیج کمبای) مس و انواع چوب را به دو بندر مهم پارسی، یکی امانا (احتمالاً اددور) و دیگری احتمالاً آپولوگوس (در رأس خلیج فارس، احتمالاً ابله بندر مهم بصره در قرون میانی اسلامی) صادر میکردند. در فهرست کالاهای رومی پریپلوس که به باریگازا و بارباریکون در دلتای سند صادر میشد، شیشه و ظروف شیشه‌یی نیز دیده میشود. بنابراین، سالز نتیجه گرفته که ظروف شیشه‌یی رومی از طریق بنادر هندی با کشتیهای پارسی و هندی به بنادر ایرانی صادر میشد.

2. Opono
3. Gardafu

1. Baruch



شکل ۵: نمونه سکهٔ مربوط به مهرداد که خود را با عنوان پادشاه عمان توصیف کرده (برگرفته از: Potts, 1996: fig. 12)

ارتباطات بسیار نزدیکی با بندر میسنی آپولوگوس داشته است (Potts, 1996: 279).

نتیجه سخن آنکه بر اساس مطالعات انجام شده روی سکه‌ها، سفالها و دیگر مواد فرهنگی بدست آمده از محوطه‌های جنوب خلیج فارس میتوان گفت که در عصر امپراطوری پارتیان این منطقه تحت کنترل آنها یا یکی از فرمانروایان تحت کنترل پارتها (کارمانیا و خراسن) بوده است. با استناد به سکه‌های محلی بدست آمده از اددور و ملیحا احتمالاً در مقطعی نیز بخش جنوب شرقی شبه جزیرهٔ عربستان دارای استقلال محدود داخلی بوده است. بر خلاف نظر برخی از باستان‌شناسان خارجی این ناحیه هیچ‌وقت از نظر سیاسی بطور کامل مستقل نبوده و همانند دیگر فرمانروایان تابع پارت، خراجگزار پارتها در عصر امپراطوری پارتیان بوده‌ند. بنابراین، میتوان گفت با توجه به موقعیت بسیار مناسب سواحل جنوبی خلیج فارس با بنادر سواحل اقیانوس هند میتوانست ارتباط تجاری موثرتر و مطلوبتر و مقبولتر برقرار کند. پارتها بندر اددور را که احتمالاً همان آمانای باستان بوده در این سواحل بنیاد نهاده و تأسیس کردند که بشکل غیرمستقیم و از طریق خراسنیه‌ها آن را کنترل میکردند.

بدیگر سخن، در اشارات پریپلوس آمده که تمامی سرزمین عمان تحت کنترل یا متعلق به پارس بوده که میباید بعنوان امپراطوری پارت تعبیر شود. همچنین نویسندهٔ آن گفته که آپولوگوس که در نزدیکی اسپاسینوس خاراگس و در کنار دجله قرار گرفته دیگر بندر پارتی است (Casson, 1989: 71, 84, 174). ما میدانیم که خراسنیه‌ها نسبتاً مستقل و پادشاهی خودمختار خود را داشتند که نه تنها خراج‌گزار پارتیه‌ها بودند، از نظر سیاسی نیز تحت کنترل پارتیه‌ها بودند. هرینک و سالز با توجه این شواهد بر این نظرند که جنوب شرق عربستان خراجگزار خراسنیه‌ها بودند و خراسنیه‌ها نیز خود خراجگزار پارتها بودند (Salles, 1993: 508 - 509, Haerinck, 1998a: 32). با این اوصاف میتوان پذیرفت که گفتهٔ نویسندهٔ نامشخص پریپلوس در مورد جنوب شرق عربستان که آن را جزئی از پارتیه‌ها میداند، درست باشد. روشن است که ارتباط بین شرق و جنوب شرق عربستان با ایران نیز در این دوره زیاد بوده که سفالها و دیگر مواد فرهنگی بدست آمده از محوطه‌های پارتی این ناحیه این مسئله را ثابت میکند؛ هرچند که سکه‌های پارتی اندکی از این منطقه بدست آمده است. نباید فراموش کنیم که شبه جزیرهٔ عمان که بنام مَکَا^۱ نامیده میشده، به‌مراه جنوب شرق عربستان در کتیبه‌های هخامنشی به عنوان یک استان شناخته میشده‌اند. در دورهٔ پارت و ساسانی نیز این منطقه تحت کنترل آنها بوده هرچند در دورهٔ امپراطوری پارتیان در مقطعی از طریق خراسن کنترل انجام میشد. در واقع بقایای باستان‌شناختی برجای مانده از ارتباط میان جنوب شرق عربستان و خراسن حکایت میکند؛ هرچند نشانه‌های روشنی از کنترل سیاسی دیده نمیشود.

با استناد به سکه‌یی که از مهرداد بدست آمده، در سال ۱۴۲م عمان تحت کنترل پارتیان درآمد است (شکل ۵). روی این سکه کتیبه‌یی است که از مهرداد با عنوان پادشاه عمان یاد شده است. همانطور که ایزودور خاراگسی پیش از این اشاره کرده، عمان برای ساکنان میسن شناخته شده بود، در حالی که پریپلوس نیز تأیید کرده که بندر امانا

(1988)", *Arabian archaeology and epigraphy* 2: 31-60, 1991.

- _____ "Excavation at edDur (Umm alQaiwain, U.A.E), preliminary report on the fourth Belgian season (1988)", *Arabian archaeology and epigraphy* 3: 190-208, 1992.

- _____ "Excavation at edDur (Umm alQaiwain, U.A.E), preliminary report on the fifth Belgian season (1991)", *Arabian archaeology and epigraphy* 4: 210-225, 1993.

- _____ "Excavation at edDur (Umm alQaiwain, UAE), preliminary report on the sixth Belgian season (1992)", *Arabian archaeology and epigraphy* 5: 184-197, 1994.

- _____ "The seventh and eight Belgian archaeological expeditions to edDur (Umm alQaiwain, UAE)", *Arabian archaeology and epigraphy* 7: 69-74, 1996.

- _____ "The shifting pattern of overland and seaborne trade in SE Arabia: foreign pre-Islamic coins from Mleiha", *Akkadica* 106: 22-40, 1998a.

- _____ "International contacts in the southern Persian Gulf in the late 1st, 1998b. century B.C. / 1st century A.D.: Numismatic evidence from EdDur (Emirate of Umm AlQaiwain. U.A.E)", *Iranica Antiqua* XXXIII: 273-301.

- _____ "More pre-Islamic coins from southeastern Arabia", *Arabian archaeology and epigraphy* 9: 278-301, 1998c.

- Humphries, J.H. "Harvard Archaeological Survey in Oman. II. Some later Prehistoric sites in Sultanate of Oman", *Proceeding of the Seminar for Arabian studies* 4: 49-77, 1974.

- Kennet, D. "Sasanian pottery in Southern Iran and Eastern Arabia", *Iran* XL: 153-162, 2002.

- _____ "On the eve of Islam: Archaeological evidence from Eastern Arabia" *Antiquity* 79: 107-118, 2005.

- Kervran, M. "Archaeological Research at Suhar 1980-1986", *The journal of Oman Studies* 13, 2004.

منابع فارسی

- آبیان، داود؛ گزارش بررسی و شناسایی باستان‌شناسی شهرستان بندرلنگه، مرکز اسناد پژوهشکده باستان‌شناسی، ۲ ج، (منتشر نشده)، ۱۳۸۵.

- بلاذری، احمد بن یحیی بن جابر؛ فتوح البلدان، ترجمه محمد توکل، تهران: نشر نقره، ۱۳۶۷.

- توفیقیان، حسین؛ بررسی و شناسایی باستان‌شناسی شهرستان بندرعباس، فصل اول (بخش تخت، قلعه قاضی، فین و دهستان سرخون)، مرکز اسناد پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده)، ۱۳۸۴.

- خسروزاده، علیرضا و دیگران؛ «کهور لنگرچینی، بندرگاهی پارت بر ساحل خلیج فارس»، گزارشهای باستان‌شناسی ۵، تهران: پژوهشکده باستان‌شناسی، ۱۳۸۵.

- خسروزاده، علیرضا؛ «ارتباط تجاری بنادر و مراکز تجاری خلیج فارس با محوطه‌های همزمان با دوره پارت و ساسانی در شرق آفریقا بر اساس مدارک نوشتاری و باستان‌شناختی»، پژوهشنامه خلیج فارس، دفتر ششم، بکوشش عبدالرسول خیراندیش و مجتبی تبریزنیا، تهران: خانه کتاب، ۱۳۹۲.

- سرلک، سیامک؛ «کاوشهای باستان‌شناسی در نخل ابراهیمی و مغ بریمی شهرستان میناب (۱۳۸۶-۱۳۹۰)»، پژوهشنامه خلیج فارس، دفتر ششم، بکوشش عبدالرسول خیراندیش و مجتبی تبریزنیا، تهران: خانه کتاب، ۱۳۹۲.

منابع انگلیسی

- Boucharlat, R., Haerinck, E., Phillips, C.S., and Potts, D. T. "Archaeological reconnaissance at edDur, Umm alQaiwayn, U.A.E", *Akkadica* 58: 1-26, 1988.

- Casson, L. *The Periplus Maris Erythraei. Text with introduction, translation and commentary*, Princeton, 1989.

- Costa, P.M., & Wilkinson, T. J. "The Hinterland of Sohar", *Journal of Oman Studies*, 9, 1987.

- Groom, N. "The Periplus, Pliny and Arabia", *Arabian archaeology and epigraphy* 6: 180-195, 1995.

- Haerinck, E. "Excavation at edDur (Umm alQaiwain, U.A.E), preliminary report on the second Belgian season

Ph.D. diss., Harvard University, Cambridge, 1968.

- Priestman, S. M. N., & Kennet D. "The Williamson collection project: Sasanian and Islamic Pottery from Southern Iran", Iran 40: 265-67, 2002.

- Salles, J.F. "The Periplus of the Erythraean sea and the Arab-Persian Gulf", Topoi 3/2: 493-524, 1993.

- _____ "The Periplus of the Erythraean Sea and the Arab-persian Gulf, Athens, Aden, Arikamedu", Essays on the interrelations between India, Arabia and the Eastern Mediterranean, Boussac, M.F & Salles, J.F (eds), New Delhi: 115-146 (= reprinted from Topoi, vol. 3/2, 1993: 493-523), 1995.

- Stevens, K.G; & Haerinck, E. Pre-Islamic Archaeology of Kuwait, Northeastern Arabia, Bahrain, Qatar, United Arab Emirates and Oman: A Bibliography, First Supplement (1985-1995), Leuven, Peeters Press, 1996,

- Whitehouse, D. Excavations at ed.Dur (Umm al-Qaiwain, U.A.E.), vol. 1. The glass vessels, Leuven, Peeters, 1998.

- _____ "Ancient glass from ed.Dur (Umm al-Qaiwain, U.A.E.), Glass excavated by the Danish Expedition", Arabian Archaeology and epigraphy 11: 87-128, 2000.

- Willkinson, J.C. "A sketch of the historical geography of the crucial Oman", Geography Journal 130, 1964.

- Lecomte, O. "Ed.Dur, les occupations des 3 et 4e s. ap. J.-C.: Contexte des trouvailles et matériel diagnostique", in U. Finkbeiner (ed.). Materialien zur Archäologie der Seleukiden- und Partherzeit im südlichen Babylonien und im Golfgebiet. Tübingen, E. Wasmuth: 195-217, 1993.

- Papadopoulos, J.K. "A Western Mediterranean Amphora fragment from ed.dur", Arabian Archaeology and epigraphy 5: 267-79, 1994.

- Potts, D.T "Arabia and the kingdom of Characene", in D. T Potts (ed), Arabia the Blest, Copenhagen, Carsten Niebuhr Institute Publications 7: 137-167, 1988.

- _____ The Arabian Gulf in Antiquity, 2 vols. Oxford, 1990.

- _____ The pre-Islamic coinage of Eastern Arabia. Copenhagen, Carsten Niebuhr institute Publications 14, 1991.

- _____ "The Parthian presence in the Arabian Gulf" The Indian Ocean in Antiquity (Ed. Reade, J), London: 269-285, 1996.

- _____ "Before the Emirates: an archaeological and historical account of developments in the region c. 5000 BC to 676 AD", in Ibrahim al Abed and Peter Hellyer (eds), United Arab Emirates, A new perspective, Trident press ltd, 2001.

- _____ "Achaemenid interests in the Persian Gulf", the article represented at the conference of the world of Achaemenid Persia, 29 September-1 October, British Museum, London, 2005.

- _____ "The Archaeology and early history of the Persian Gulf", in: The Persian Gulf in History, Lawrence J. Potter (ed), Palgrave Macmillan: 27-56, 2009.

- Potts, D.T. & Gribb, J., "Sasanian and Arab-Sasanian coins from eastern Arabia", Iranica Antiqua 30: 123-137, 1995

- Prickett, M. Man, Land and Water: Settlement Distribution and the Development of Irrigation Agriculture in the Upper Rud-i Gushk Drainage, Southeastern Iran, unpubl.